

ستاد پزشکیان گام اول را بردارد

درباره ضرورت شفاف‌سازی چگونگی تأمین هزینه تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری

احسان هوشمند
پژوهشگر سیاسی

انتخاباتی دارند؟ آیا از محل کمک‌های شهروندان عادی یا صاحبان سرمایه تأمین می‌شود؟ آیا چنین پول‌های گزافی توسط احزاب حامی تأمین می‌شود؟

اگر چه در قوانین کشور به صراحت نظارت بر منابع مالی و نحوه تأمین مالی فعالیت‌های انتخاباتی و هزینه‌کرد نامزدهای انتخابات مجلس مشخص شده است. قانونی که اجرای آن برای آخرین انتخابات مجلس در اسفندماه ۱۴۰۲ با ابهام روبه‌روست- اما تاکنون برای تبلیغات نامزدهای ریاست جمهوری چنین قانونی تصویب نشده است!

انتخابات چهاردهم ریاست جمهوری به پایان رسید و دولت جدید به زودی فعالیت خود را آغاز می‌کند. اما تاکنون هیچ گزارشی از میزان هزینه‌کرد تبلیغات نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری منتشر نشده است و مشخص نیست هر یک از نامزدهای انتخابات چه میزان هزینه برای تبلیغات خرج کرده است؟ و آیا پول چگونه و توسط چه کسانی برای تبلیغات انتخاباتی در اختیار ستادهای تبلیغات قرار گرفته است؟

برای ابراز حسن‌نیت و تقویت شفافیت و افزایش اعتماد عمومی، به آقای دکتر پزشکیان پیشنهاد می‌شود تا ایشان همراه با مدیران ستادهای تبلیغاتی داوطلبانه در اقدامی اعتمادساز فهرستی از هزینه‌های تبلیغاتی در سطح ملی و سطوح استانی و شهرستانی ستادهای حامی را منتشر کنند و همچنین ریز کمک‌های اهدایی یا چگونگی تأمین هزینه‌های تبلیغاتی را برای آگاه‌سازی افکار عمومی منتشر کنند. در صورتی که ستاد نامزد پیروز انتخابات چنین اقدامی را عملی کند، آنگاه افکار عمومی بیش از گذشته از سایر نامزدها و کاندیداهای ریاست جمهوری که هزینه‌های قابل توجهی برای تبلیغات صرف کردند، انتظار خواهد داشت که آنان نیز ریز هزینه‌ها و چگونگی تأمین هزینه‌های خود را به صورت شفاف در اختیار افکار عمومی قرار دهند؛ بدین ترتیب، گامی اساسی برای شفافیت و اعتمادسازی برداشته می‌شود. چنین اقدامی البته خود می‌تواند مقدمه‌ای باشد تا راه برای ارائه طرح یا لایحه‌ای قانونی با هدف شفاف‌سازی و روشن کردن نحوه تأمین منابع مالی فعالیت‌های انتخاباتی و چگونگی هزینه‌کرد آنان باز شود. هر نوع بی‌تفاوتی در این باره یا مقاومت می‌تواند خدشهای بزرگ بر اعتماد افکار عمومی وارد سازد.

تیتریک

HEADLINE ONE

۲

گزارش
یکمرید منیرالدین
یا خلف مصباح یزدی؟واکنش‌ها و هشدارها درباره سید محمد مهدی میر باقری
بالا گرفته استمهرداد خدیر
معاون سردبیر

استان البرز در مجلس خبرگان رهبری بود و در دوره اخیر نماینده استان سمنان شده و از این منظر نمی‌توانست با پروژه «تهران، شهر نور» ارتباط و مناسبتی داشته باشد؛ هر چند احتمالاً می‌توانستند بگویند منظور از این عنوان، نوری بوده که از آن سخنان بر شهر تهران و شهروندان تهرانی یا تهران‌نشین می‌باریده و گرنه آقای قرائتی هم کاشی است و مرحوم بهجت هم فومنی بود و ربطی به تهران ندارند تا بگوییم آقای میرباقری نماینده البرز در خبرگان بوده یا حالا نماینده سمنان است.

در فروردین ۱۴۰۳ البته هیچ‌کس نمی‌دانست که قرار است در پایان اردیبهشت چه اتفاقی رخ دهد تا به حمایت او از کاندیدای قبلی و بعدی ریاست جمهوری - سعید جلیلی - نسبت داده شود و نهایتاً حدس زده می‌شد که کسانی دوست دارند آقای میرباقری را برای ریاست خبرگان یا جایگاهی بیش از قبل در آن مطرح کنند و عملاً و در غیاب آقای مصباح یزدی در رأس جبهه پایداری تعریف می‌شد. اکنون و وقتی این روزها و سه ماه بعد از آن و در فضای سیاسی تازه - بعد از انتخابات ریاست جمهوری - بار دیگر نام آیت‌الله مهدی میرباقری دوباره مطرح شده کسانی که در رأی به مسعود پزشکیان برای موفق شدن سعید جلیلی تردید داشتند احساس می‌کنند کار درستی انجام داده‌اند.

نام او وقتی دوباره مطرح شد که بعد از سکوتی کوتاه مدت گفت: «پایه‌ریزی فرهنگی جدید بر مبنای اسلام سختی و گرسنگی را به دنبال دارد و مردم ما راه خود را انتخاب کرده‌اند. برخی می‌خواهند ایران را مانند ژاپن و آلمان کنند.»

عباس عبیدی - تحلیل‌گر سیاسی - هم در واکنش به او نوشت: «اگر ذره‌ای گرسنگی در این چهره دیدید مردم را خبر کنید. همین سخنان هم از روی سبیری و آسایش است. چون انسان گرسنه و در حال سختی به این حرف‌ها فکر هم نمی‌کند.»

داستان اما به این تقابل محدود نماند و برای آن که روشن شود نوع نگاه او با رهبری هم زاویه دارد آنچه درباره مولانا جلال‌الدین محمد رومی گفته و به بهانه آن از بزرگان حوزه انتقاد کرده بود بار دیگر یادآوری شد: «با عرفان مولوی نمی‌شود جهان را اداره کرد. کتابی

ادامه از
صفحه
یک

جریان انتخابات ریاست جمهوری، انتخاب می‌شود. ترامپ یک سناتور جوان را برای این پست انتخاب کرد. ونس در انتخابات سال ۲۰۲۲ با حمایت ترامپ وارد سنا شد و به‌رغم اینکه در سال ۲۰۱۶ ترامپ را «احمق»، «هروئین فرهنگی» و «هیتلر آمریکا» نامیده بود، به مرور زمان در زمره حامیان او قرار گرفت. ترامپ به خاطر ریش ونس، او را آبراهام لینکلن جوان می‌نامد.

نیویورک‌تایمز پس از انتخاب ونس توسط ترامپ، مقاله‌ای بلند حاوی ۲۷ نکته از زندگی شخصی و حرفه‌ای او را منتشر کرد. براساس این گزارش، ونس به‌عنوان تنگداز سپاه تنگ‌داران دریایی آمریکا، در جنگ عراق (۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷) حضور داشته است. نیویورک‌تایمز می‌گوید ونس یکی از نزدیکان دونالد ترامپ جونیور (فرزند ترامپ) است. او فارغ‌التحصیل دانشگاه ایالتی اوهایو و بیل است، سال ۲۰۱۶ کتاب Hillbilly Elegy: A Memoir of a Family and Culture in Crisis را از خاطرات خود و زندگی سخت و فقیرانه کودکی اش منتشر کرد که پرفروش شد. تفلیکس اقتباسی از این کتاب را سال ۲۰۲۰ اکران کرد که نظرات مختلف و متفاوتی از منتقدان گرفت. ونس در خانواده‌ای دموکرات بزرگ شد اما در نهایت به جمهوری خواهی رسید. او مبارزات سیاسی خود برای ورود به سنای آمریکا را از سال ۲۰۲۱ آغاز کرد، در انتخابات نوامبر ۲۰۲۲ به پیروزی رسید و از ژانویه ۲۰۲۳ به‌عنوان سناتور فعالیت رسمی خود را آغاز کرد. در صورت پیروزی ترامپ و انتخاب ونس به عنوان معاون رئیس جمهور، او رئیس مجلس سنا نیز خواهد بود. براساس تحلیل رسانه‌ها، ترامپ امیدوار است با انتخاب ونس، نظرات کارگران، کشاورزان و جوانان آمریکا را به سمت خود متمایل کند.

رود تائیدگذار

یک گلوله، به گوش راست نامزد جمهوری خواهان بر خورد کرد، شتک خون به صورتش دوید و به فاصله چند ثانیه در حلقه محاصره اعضای سرویس مخفی آمریکا (Secret Service) قرار گرفت. چند عکاس آمریکایی، تصاویری تاریخی از لحظه واکنش ترامپ به این حادثه را ثبت کردند. تصاویری که آنقدر خوب و درجه یک بودند، که تئوری‌های توطئه همیشگی را داغ‌تر کردند: ترامپ در حلقه محافظان، پرچم آمریکا بالای سرش، مشد گره کرده‌ای که به سمت آسمان گرفته، رد خونی که بر صورتش دیده می‌شود از زاویه پایین (Low Angle) طرفداران ترور برنامه‌ریزی شده را مصمم‌تر می‌کرد که این تیراندازی، از پیش تعیین شده بود. ترامپ واقعاً مورد سوءقصد قرار گرفت یا کمپینش یک برنامه برای قهرمان‌سازی از او را مد نظر داشت، تفاوتی نمی‌کند. او در روز برگزاری کنوانسیون ملی در میلوکی، با گوش پانسمان شده و با قدم‌هایی آرام وارد سالن شد و مورد استقبال هواداران و اعضای حزب قرار گرفت. روزنامه گاردین انگلیس ورود ترامپ به سالن را «رود دراماتیک در میان تشویق‌های بلند» توصیف کرد. حضور در کنوانسیون ملی، اولین حضور عمومی ترامپ پس از ترور ناموفقش بود. به غیر از این تحلیل‌های رسانه‌ای، رمز‌هایی جدی درباره تأثیر این تیراندازی، بر شانس ترامپ در انتخابات ماه نوامبر مطرح می‌شود. کمپین انتخاباتی جمهوری خواهان به شدت در حال استفاده از این حادثه است. پس از طرح‌های گرافیکی مختلف که از نحوه نجات ترامپ کشیده و منتشر شد، در نهایت نتایج انتخابات ۱۹۸۴ آمریکا بار دیگر مورد توجه قرار گرفت. در انتخابات این سال، رونالد ریگان در تمام ایالت‌های آمریکا به جز مینه‌سوتا برنده شد. او در این انتخابات ۵۴ میلیون رای مردمی و ۵۲۵ رای الکتورال به دست آورد که براساس داده‌های موجود، تعداد آرای الکتورال او تا امروز یک رکورد محسوب می‌شود. ریگان در سال ۱۹۸۱ مورد سوءقصد قرار گرفت و این سناریوی تبلیغاتی‌ها هم در حال تکرار است. تیراندازی به ترامپ، برگ برنده کمپین او محسوب می‌شود.

معاون اول ۳۹ ساله

جی. دی ونس به‌عنوان معاون اول ترامپ معرفی و در جریان کنوانسیون ملی در کنار ترامپ حاضر شد. نام معاون اول پیشنهادی نامزدهای انتخاباتی، در کمپین‌ها بسیار مؤثر، مورد توجه و بخشی از کارزار است. دوگانه‌های «بایدن - هریس»، «ترامپ - پنس» و «اوباما - بایدن» بر همین اساس است. معاون رئیس جمهور آمریکا در واقع به صورت غیرمستقیم در

شلیک به دموکراسی آمریکایی

بازخوانی سوابق ترور رؤسای جمهور ایالات متحده

آرش ملکی
پژوهشگر دکتری حقوق
بین‌الملل

خدمات انسانی، وزیر مسکن و توسعه شهری، وزیر حمل و نقل، وزیر انرژی، وزیر آموزش، وزیر امور کهنه‌سربازان و وزیر امنیت ملی در مقام رئیس جمهور مشغول به خدمت خواهد شد.

پیش‌بینی سلسله‌مراتب جانشینی در قوه مجریه بر این ایده استوار است که دولت - در معنای قوه مجریه که علاوه بر شخص رئیس جمهور از دولتمردان هم مشرب او نیز تشکیل شده - بتواند در غیاب رئیس جمهور برنامه‌های وعده‌داده شده را در بازه چهارساله عملی سازد. به بیان دیگر، در این ساختار از قوه مجریه، همه تصمیمات توسط رئیس جمهور اخذ نمی‌شوند، بلکه رئیس جمهور در کانون تصمیم‌گیری‌ها است. در نتیجه، با مرگ و کناره‌گیری شخص رئیس جمهور اجرای سیاست‌های منتخب شهروندان متوقف نمی‌شود و مخالفان سیاسی قادر نخواهند بود با ترور رئیس جمهور اجرای برنامه‌های وی را متوقف سازند. شایان ذکر است که این ایده در پرتو اوضاع و احوال قرن هجدهم میلادی و در شرایطی اندیشیده شده که خبری از ساز کارهای حفاظتی مدرن نبود و حذف فیزیکی رئیس جمهور در پرتو کشمکش‌های سیاسی شدید نمی‌توانست دور از انتظار باشد. البته این سلسله‌مراتب تاکنون از جایگاه معاون رئیس جمهور عبور نکرده. به لحاظ سابقه تاریخی چهار رئیس جمهور شامل ویلیام هنری هریسون (۱۸۴۱)، زاخاری تیلور (۱۸۵۰)، وارن هاردینگ (۱۹۲۳) و فرانکلین روزولت (۱۹۴۵) در زمان تصدی به مرگ طبیعی درگذشتند و معاون رئیس جمهور جای ایشان را گرفت. چهار رئیس جمهور شامل آبراهام لینکلن (۱۸۶۵)، جیمز گارفیلد (۱۸۸۱)، ویلیام مک‌کینلی (۱۹۰۱) و جان اف کندی (۱۹۶۳) نیز در زمان ریاست جمهوری در نتیجه سوءقصد جان خود را از دست دادند. همچنین سه رئیس جمهور نیز در نتیجه سوءقصد مجروح شدند که دونالد ترامپ (۲۰۲۴) در کنار تئودور روزولت (۱۹۱۲) و رونالد ریگان (۱۹۸۱) در این دسته قرار می‌گیرد. البته از آنجا که ترامپ علاوه بر رئیس جمهور بودن کاندیدای کسب مجدد این مقام نیز هست، باید به جورج والاش (۱۹۷۲) و رابرت‌ف‌کندی (۱۹۶۸) که در زمان کاندیداتوری مورد سوءقصد قرار گرفتند و هرگز عهده‌دار این مقام نبودند نیز اشاره کنیم.

در یک نگاه کلی، رئیس جمهور مظهر یکپارچگی آمریکاست. بنیان‌گذاران ایالات متحده می‌خواستند مقامی ایجاد کنند که علاوه بر همکاری با قوه مقننه، قادر باشد در لحظات حساس تصمیمات جدی اتخاذ کند. حال، تلاش برای حذف فیزیکی شخصی که به احتمال قوی رئیس جمهور خواهد شد، دموکراسی آمریکایی را با چالش جدی روبه‌رو کرده است.

بامداد بیست‌و چهارم تیرماه، خبری شوک‌برانگیز در فضای رسانه‌های جهان انعکاس یافت: «دونالد ترامپ مورد سوءقصد قرار گرفت.» این حادثه در نخستین دقایق از برگزاری آخرین گردهمایی تبلیغاتی ترامپ پیش از کنوانسیون حزب جمهوری خواه در ناحیه پتل پارک از ایالات پنسیلوانیا به وقوع پیوست. عامل سوءقصد جوانی ۲۰ ساله بود که فوراً به دست نیروهای امنیتی کشته شد و صرفاً توانست با شلیک گلوله‌های پلاستیکی ترامپ را از ناحیه سر مجروح کند. هرچند ترامپ در زمان این حادثه رئیس جمهور مستقر نبود و در صورت موفقیت‌آمیز بودن سوء قصد، اخلاقی در قوه مجریه ایالات متحده پدید نمی‌آمد، لیکن تلاش برای ترور عالی‌ترین مقام رسمی کشور در تاریخ دویست‌وسه‌وپنج ساله جمهوری آمریکا پیش از این نیز به وقوع پیوسته. لذا نظر به اهمیت موضوع، امعان در وضعیت حقوقی ناشی از این حادثه خالی از لطف نیست. تا پیش از ۱۹۶۷، در بخش ۱ (بند ۶) از ماده ۲ قانون اساسی ایالات متحده چنین آمده بود که چنانچه رئیس جمهور مشمول عزل، مرگ، کناره‌گیری و ناتوانی در انجام وظایف شود معاون رئیس جمهور به موجب قانونی که کنگره تعیین می‌کند جایگزین وی خواهد شد. با الحاق متمم ۲۵ در ۱۹۶۷، چنین مقرر شد که در زمان مرگ رئیس جمهور معاون رئیس جمهور جایگزین وی خواهد شد. غیر از متمم ۲۵، قانون جانشینی رئیس جمهور (Presidential Succession Act) که به تاریخ ۱۷ جولای ۱۹۴۷ به تصویب رسیده نیز پیرامون جانشینی رئیس جمهور الزاماتی را مقرر می‌کند. مطابق این قانون - که تا سال ۲۰۰۶ در هفت نوبت مورد بازنگری قرار گرفته - در صورت مرگ، کناره‌گیری، عزل، یا ناتوانی توأمان رئیس جمهور و معاون رئیس جمهور، سخنگوی مجلس نمایندگان با استعفاء از قوه مقننه وظایف رئیس جمهور را عهده‌دار خواهد شد و در صورتی که سخنگوی مجلس نمایندگان نیز شرایط ریاست جمهوری را از دست بدهد، رئیس موقت سنا جایگزین وی خواهد شد و چنانچه رئیس موقت سنا نیز ناتوان از ایفای وظایف باشد، عالی‌ترین مقام از میان وزیر امور خارجه، وزیر خزانه‌داری، وزیر دفاع، دادستان کل، وزیر امور داخلی، وزیر کشاورزی، وزیر بازرگانی، وزیر کار، وزیر بهداشت و

